

مدیرمسئول: محمد فاضلی
سرمدییر: جواد دلیری
تلفن: ۰۲۱ ۸۸۷۶ ۱۷۲
تلهار: ۸۸۷۶ ۱۷۴۴
ارتباط فردمی: ۰۲۱ ۸۸۷۶ ۹۰۷۵
پیامک: ۰۲۱ ۴۵۱ ۳۰۰
روابط عمومی
نشانی: تهران خیابان خرمشهر- شماره ۲۰
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۰۰
چاپ: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
شرکت چاپ مجیم(پهپانی) و پمادش سبز تهران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

ایران

www.iran-newspaper.com

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه انیو ۱۰۱۹۰ شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶
بخیریش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۸۸۵۴۸۹۲-۵

میانگانه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران:
www.ion.ir/news/1994.html



نگاره
ناهد زمانی



سه نکته درباره ادبیاتِ پر مخاطبِ عامه‌پسند در ایران

لمینیسْم پنهان و آدم‌حسابی‌ها

آرزو داشت زن ساده ای باشد در انس با خانه و آشپزخانه: «مرا پناه دهید ای زنان ساده کامل/ [...] / کدام قله، کدام اوج؟/ مرا پناه دهید ای اجاق های پر آتش - ای نعل های خوشبختی - / وای سرود ظرف های مسین در سیاه کاری مطبخ / وای ترنم دل گیر چرخ خیاطی / وای جدال روز و شب فرش ها و چاروها…»

سه: بیابنه مرگ نقد متن عامه پسند را مدت هاست امضا کرده‌اند. امضای بسیاری از منتقدان ادبی نیز پای متدی برای نقد آثار پر مخاطب پیدا کنیم و این گونه بر باوری غلط مبنی بر این‌که نقد ادبی تنها روشی برای بررسی ادبیات نخیه گراست، صحنه گذاشتیم؛ هر چند خود آن جسید اقتصاد متبرک، نیازی به نقد ندیده و همواره فارغ از ارزیابی‌ها به حیات خویش ادامه داده است. البته در این‌که ادبیات عامه پسند، چندان به لحاظ ملاحظات ادبی قابل بررسی نیست شکی نیست، اما چرا نباید زبانی برای نقدی ویژه این گونه مهم از ادبیات پیدا کرد؟ علاوه بر این و فارغ از نقد ادبی، چرا راه را بر ورود مطالعات فرهنگی در باب این ادبیات بسته‌ایم؟ آثار پر مخاطب ادبیات داستانی، دست کم به دلیل اقبالی که دارند به‌عنوان پدیده هایی اجتماعی قابل بررسی اند. مثلاً خیلی ساده طی مطالعات فرهنگی می‌توان با دخالت نظری از سوی روانشناسی و جامعه شناسی این پدیده را بررسی کرد که: «چرا زنی میانسال هنوز از خواندن رمانی لذت می‌برد که مخاطب واقعی اش دختران نوجوان هستند؟ چرا او در نوجوانی، به رستی مجده سالکی نکرده تا مجبور شود در میانسانی در پی قهرمانان دوران نوجوانی اش باشد!» داده هایی که از این گونه مطالعه بیناگفتمانی می‌توان استخراج کرد، لزوماً به کار اهل ادبیات نخواهد آمد اما می‌شک، منتج به تحلیل هایی سودمند در علوم مورد اشاره دیگر خواهد بود.

مستند «دهقان فداکار» در جشنواره سینما حقیقت



تصویربردار: حسین جوادی، صدابردار: حسین نظری، صداگذار و تدوینگر: محسن مقدم، نویسنده گفتا متن: سعادت ترابی، گوینده متن: حسین شمس، مدیر تولید: علی قنبرزاده، عکاس: کوروش افشار نادری، دستیار کارگردان: مهدی اسماعیلی، تهیه‌کننده: صادق سکری، تهیه شده در: روابط عمومی راه‌آهن.

اذان قهر ۱۳/۰۰ | اذان مغرب ۱۹/۳۰ | نیمه شب شرعی ۰۱/۱۷ | اذان صبح فردا ۵/۳۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۸

						
۳۰	۳۷	۳۷	۳۴	۴۷	۳۴	۳۵
رشت	شیراز	یزد	بندرسیاس	اهواز	مشهد	تهران
۲۱	۲۰	۲۲	۲۹	۲۷	۱۶	۲۳

به بهانه حضيض مجله‌های ادبی

مجله «اندیشه و هنر» به متابه یک نهاد ادبی

مهرداد رهسپار کوشگی
خوب‌رنگر

سال‌هاست که دیگر مجله‌های ادبی آن جایگاه پیشین را ندارد؛ انگار نه انگار تا همین چند دهه پیش کار و بار بسیاری از مجله‌های هنری و ادبی سکه بود. برخی از آن‌ها در قد و قامت یک نهاد ادبی – فرهنگی ظاهر شدند و عمل کردند. یکی از آن مجله‌ها گاهنامه «اندیشه و هنر» بود. با مطالعه‌ای در تاریخ روزنامه نگاری ادبی ایران، می‌توان به‌عنوان یکی از فرازهای این نوع از ژورنالیسم به حساب آورد؛ مجله‌ای که طی چند دوره و هر دوره

غناي شعر آييني عاشورايي از ديروز تا امروز در گفت‌وگو با عبدالجبار کاکايي

از دانش تا عشق، از شعر تا شاعر

محسن بوالحسنی

گپ
خوب‌رنگر

فرهنگ عاشورایی، در ادبیات فارسی ما علی‌الخصوص در شعر فارسی با زیست و عمری چندصدساله موضوعی است که شاعران کهن فارسی به آن توجه بسیار نشان داده‌اند و از بیدل تا محتشم کاشانی نمونه‌های درخشانی از این شعر در ادبیات فارسی قابل ذکر و مصداق است. عاشورا در شعر شاعران معاصر نیز، موضوعی با اهمیت است و علی‌الخصوص در ابتدای دهه شصت و شکل‌گیری جریانی شعر جریان شعر متعدد در مقابل جریان شعر غیرمتعهد، رویکردی دیگرگونه گرفت که این جریان به شعر دفاع مقدس نیز گره‌خوردگی‌های فراوان داشت. چهره‌های شاخصی در این حوزه طی دهه‌های ۶۰ مقدس نشستند که نمونه‌های ماندگار این دوران نیز قابل رصد و مصداق است. اما آیا توش و توان شعر عاشورایی و شاعرانش طی یکی دوده‌ه اخیر به قدری بوده که نه تنها این جریان شعری را عمیق‌تر و رویه‌چلوتر نشان بدهد و از طرفی پر غنای ادب فارسی بیفزاید؛ یا دچار رکود و رخوت در روایتگری و… شده است. عبدالجبار کاکایی در گپ‌وگفتی کوتاه با «ایران»، به چالش‌ها و فراز و فرودهای شعر عاشورایی پرداخته است.

■ طی سالیان اخیر شعر عاشورایی با چه شرایطی روبه‌رو بوده و آیا این شعر حرکتی روبه‌جلو داشته است؟

اخیر از شعر عاشورایی و آیینی از طرف نهادها و سازمان‌ها و رسانه‌های رسمی شده انتظاری می‌رود این شعر در یکی دو دهه اخیر غنی‌تر شده باشد؛ اما متأسفانه این اتفاق نیفتاده است. شاعران ما در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تفسیری اجتماعی از

با فواصل زمانی چندماهه و چندساله بین سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۳ منتشره شده است. فعالیت این مجله در طول دهه سی، در راستای ادعای گردانندگان آن – پرداختن به ادبیات و هنر نو – به دو دلیل چندان چشمگیر نیست؛ نخست این‌که ناصر وثوقی به‌عنوان صاحب امتیاز نشریه، بیش‌تر سرمقاله‌هایش را به موضوعات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی روز اختصاص داده و محسن هشترودی، محمود کشفیان، علی اصغر حاج سیدجوادی، نادر نادریورو… نیز به‌عنوان گردانندگان نشریه، اغلب در پی ادبیات و هنر مرسوم و متداول دهه سی هستند تا هنر و ادبیاتِ به ادعای خودشان نو و در

اذان صبح فردا ۵/۳۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۸

امام علی علیه‌السلام:

سخن روز

مَنْ لَمْ يُقَدِّمْ فِی اتِّخَاذِ الْإِحْوَانِ الْإِعْتِبَارَ

دَفَعَهُ الْإِعْتِرَازُ إِلَى صُحْبَةِ الْفُجَّارِ؛

هر کس در انتخاب برادران (دوستان) امتحان را مقدم ندارد، قریب خوردگی او را به مصاحبت با بدکاران می‌کشد.

تصنيف غررالحکم و درر الکم ص ۴۱۶، ح ۴۹۵

داستان نویسان، نمایش نامه‌نویسان و مترجمانی که ده‌ها بعد و در پژوهش‌های باستان‌شناسان ادبی کشف و معرفی شدند، نخستین بار از سوی نهاد «اندیشه و هنر» ظهور کردند. درباره «اندیشه و هنر» به راستی می‌توان از عنوان «نهاد ادبی» به جای نشریه ادبی بهره برد، چرا که امضای نوعی از ژورنالیسم ادبی پای آن خورده و سبک و سیاقی را پایه گذاشته است. ناصر وثوقی نشریه‌ای بنیان گذاشت تا امروز بتوانیم از آن به‌عنوان یکی از ماندنی‌ترین نشریات در تاریخ ژورنالیسم ادبی ایران یاد کنیم. آیا نشریات ادبی کنونی را هم دهه‌ها بعد، قابل بررسی خواهیم یافت؟



حماسه عاشورا

به روایت عالمان دین (۶)

عاشورا

مریی خاموش (قسمت دوم)

امام حسین(ع) در مسیر کوفه در منزل «شراف» دستور داد آب فراوان برداشتند. در گرمای نیم روز، حرین بربید ریاحی با هزار سوار فرا رسیدند و در برابر امام(ع) و یارانش ایستادند، در حالی که سخت تشنه بودند. امام(ع) به یاران و جوانانش دستور داد که همهٔ آنها را با چارپایان شان سیراب کردند. علی بن طعان می‌گوید: من آخرین نفر از یاران «خر» بودم که آنجا رسیدم. وقتی حسین(ع) شدت تشنگی من و اسبم را دید، فرمود: «راویه» را

بخوابان. من (مطلب را در نیافتم زیرا) لفظ «راویه» را به معنای «مشک» می‌داشتم و مراد حضرت «شتر آبکش» بود. فرمود: پسر بردارم! شتر را بخوابان. شتر را خواباندم. فرمود: بنوش. من که می‌نوشیدم آب از مشک می‌ریخت. فرمود: (دهانه) مشک را برگردان (که آب نریزد)، من نمی‌دانستم چگونه عمل کنم. خود حسین(ع) برخاست و دهانه مشک را برگرداند و من نوشیدم و اسبم را هم سیراب کردم.»

در این واقع، یک واژه تبلیغ کلّامی نیست، تنها حرکات و رفتار و گفت‌وگوست. اما همانند آن در صفین، آن چنان دشمن را تحت تأثیر قرار داده که خود، جزئیات جریان را با دقت حکایت می‌کند. در عبارت «یا ایا اخی … فقال الحسین اخنت السقا…» فجعلت لا ادری کیف افعل … فقامّ الحسین فخنّته فشریت وسقیّت فرسه» نیک بنگریم. سردار سپاه دشمن و یاران او از این عمل چه آموختند؟ آیا این فوت در بازگشت «خر» مؤثر نبوده است؟ دیگران از این رفتار چه می‌آموزند؟ مگر رفتار علّی (علیه‌السلام) در «صفین» و آب دادن به دشمن که آن چنان مؤثر نیفتاد که با آن خاسه سحرآمیزش آن چنان میناگری کرد؟ آیا این صحنه، خود مربی مُهر بر لب و خاموشی که بنیاست که بهترین و رساترین بیان، پیام فوت و جوانمردی و گذشت و شهمت، ابلاغ می‌کند؟

■ فراتر از ایثار

مرحوم مجلسی در بحارالانوار می‌نویسد: «والفضل العباس(ع) قصد فرات کرد، چهارهزار نفر از گماشندگان بر فرات پیرامون او را گرفتند و او را تیرباران کردند. آنها را از هم شکافت… تا وارد آب شد، همین که خواست کمی از آب بیاشامد به یاد تشنگان حسین واهل بیتش افتاد، آب را بیفکند و مشک را پر کرد و بر دوش راست انداخت و به سوی خیمه رو کرد…»

در این صحنه، تنها حرکت و رفتار است که بهترین درس ایثار و فتوت و محبت و وفاداری، بلکه فراتر از آن را به جوانمردان و شجاعان داده است و هم‌دی پاک باختگان عرضه جوانمردی هم بیوسته این حادثه را نصب العین داشته و از آن، درس صفا و وفا آموخته‌اند.

■ قله استوار استقامت

راستی در نظر بگیریم کسی را که یاران وفادارش از پیران پارسا و متحد و جوانان پاک و پاکباخته، تا عموزادگان و خواهرزادگان و برادرزادگان و برادران و فرزندان از جوان تا خردسال و شیرخواره در برابر چشمانش با مششیر و تیر و نیزه چاک چاک شوند و به خاک بیفتند و بر بالای سر بیشتر آنها حاضر شود و آنها را در حال جان دادن ببیند و گاه خود با زحمت تمام، بدن برخی از آنها را به نزدیک خیمه بیاورد و از سوی دیگر، دختران و خواهران و بانوان حرم خویش را نیز در همان جا تشنه و داغدار و مضطرب مشاهده کند و بداند که ساعتی بعد، اسیر خواهند شد، باز هم همچون شیر بخروشد و رجز بخواند بر دشمن بتازد و صف بشکند و پیاده و سواره را چون برگ خزان بر زمین بریزد و بازگردد و پس از درنگی اندک، باز دیگر رجز بخواند و مبارز بخواد و حمله کند و صف بشکافد و جنگاور بر زمین بیفتند و بانگ برآرد که: «الموت خیر مین رکوب العار…» یا بگوید: «ألئیثُ أن لا انتنی»… سوگند خوردم که روی برنتابم و سرانجام نیز در آخرین لحظه‌های حیات خویش بگویم: «رضا بَقَاضِکَ، صبرا علی بلائک و تسلیما لِمَرمَکَ لا معبود سواک یا غیاث‌المستغیثین».

این مصیبت‌ها و حتی گوینده مردافکن است که اگر هر کدام از آنها بر یکی از قهرمانان جهان فرود آید، دست کم در کوتاه مدت، کاسه سبزش لبریز می‌شود و یاری پرداختن به کار دیگر نخواهد داشت.

کدام قهرمان را دیده‌ایم که بر سر پیکر غرق در خون جانش فرارسد و او را با فرق شکافته بنگرد و محاسن از خون وی رنگین سازد، خواهر خویش را مویه کنان از جسد جدا کند، دستش را بگیرد و به خیمه بازگرداند، آن گاه بتواند بی درنگ به جنگ با دشمن خونخوار و بی رحم ادامه دهد؟ تنها همین یک نمونه برای از پای درآوردن قهرمان کافی است.

آیین

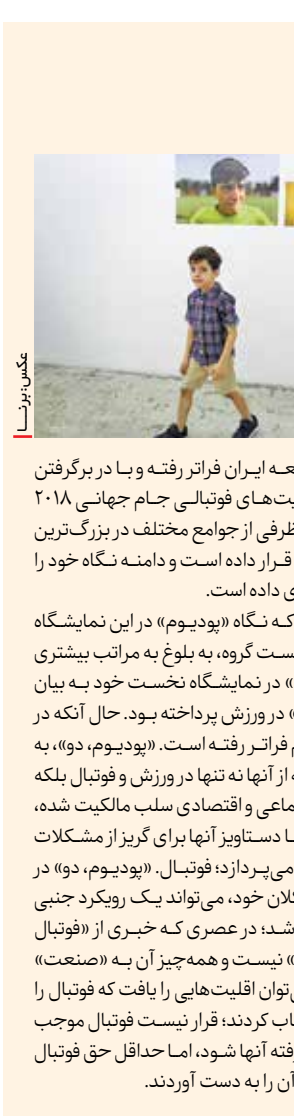


گفتاری منشنر
نشده از مرحوم
احمد احمدی
پژوهشگر دینی



و دانش. این دانش ما را به معرفت و عشقی عمیق‌تر می‌رساند و سرمایه شاعر می‌شود تا شعری بنویسد که در شان عاشورا باشد و نه شأن جریان‌ها ووسهم‌خواهی‌های سیاسی.
■ **تکریمی‌کیند کنگرهما و جشنواره‌های پر جایزه‌ای که در این حوزه وجود داشته و دارند چقدر توانسته‌اند به غنای این شعر کمک کنند؟**

ما در کشور درگیر تلاطم موضوعاتی از قبیل موضوعات سیاسی هستیم. اگر بخواهیم تبلیغ دینداری کنیم و همان‌طور که گفتم این فرهنگ را آغشته به خواست‌های سیاسی کنیم مسلماً به مشکل برمی‌خوریم؛ که خورده‌ایم. همین‌ها باعث شده که این ادبیات مهجورتر شود و به گفته شما جشنواره‌های پرزوی و سکه‌ای شاعران را به نوعی به خود معناد کرده‌اند تا دیگر نتوانند خلاقانه در این‌ها قدم بردارند و بنویسند. شاعران کمتر از دل می‌نویسند و همین می‌شود که در گردابی از تکرار فرو می‌روند. سر بسته گفتم بن‌بست‌هایی که در این‌راه وجود دارد و مصادره کردن‌ها سال‌هاست که ما را از خواندن و شنیدن شعری به باشکوهی شعر دشنگان محروم کرده است.



نگاهی به نمایشگاه گروهی با موضوع فوتبال

فوتبال به مثابه امر اجتماعی

مهدی قاسمی کبوریانی

روایت

نمایشگاه عکس «پودיום، دو» با عنوان «خرده‌روایت‌هایی درباره فوتبال»، پیش از هرچیز در راستای نخستین نمایشگاه گروه «پودיום» گام برمی‌دارد؛ امری که حاکی از یک انسجام فکری و بصری در دو نمایشگاه این گروه تابه‌حال است. گروه «پودיום» در دو نمایشگاه خود خوانش متفاوتی از عکاسی ورزشی ارائه داده؛ عکس‌ها و آثار این گروه (شامل ویدئو)، خارج از فرم‌های رایج عکاسی ورزشی با رویکردی اجتماعی و واکاوی پدیده‌ها و کاستی‌های جامعه حول محور «ورزش به مثابه امر مشترک»، سعی در القای مفاهیمی فراتر از زیبایی‌شناسی صرف دارند. «پودיום، یک» سال گذشته با دربرگرفتن سه مجموعه به موضوع «سلب مالکیت در ورزش» پرداخته بود؛ در نخستین نمایشگاه گروه، زنان و جنبه‌های مختلف محدودیت‌های ورزش آنان، ورزش‌های آیینی، ورزشکاران غیرسلب‌پریتی و در نهایت کربنتی از جامعه که توانایی مالی برای پرداختن به ورزش مورد علاقه خود را ندارند، به‌عنوان گروه‌ها و پدیده‌هایی که به هر روش از آنها سلب مالکیت شده، به تصویر کشیده شده بودند.

اینک، «پودיום، دو» در ادامه همان رویکرد اجتماعی، فراتر از بحث سلب مالکیت، به پدیده‌های اجتماعی در فوتبال پرداخته؛ در نخستین نگاه شاید به نظر رسد که محدود کردن حوزه ورزش به فوتبال در این نمایشگاه، بستر را برای نقد کاستی‌های اجتماعی محدود کرده باشد؛ حال آنکه گروه «پودיום» به‌واسطه دو رویکرد این محدودیت را نیز پشت تبدیل شده و کارکردهای اجتماعی آن به حداقل رسیده و با نگاه انتقادی به این گزاره، به سراغ پدیده‌های اجتماعی رفته و از زاویه دید خود آنها را به تصویر کشیده است.

دوم آنکه در «پودיום، دو» بستر و عرصه رویکرد اجتماعی